

جایگاه قدرت نرم در بسترهای غافلگیری راهبردی

جمهوری اسلامی ایران

محمد پورقربان^۱، رقیه مهری^۲، حمیدرضا تبشیری^۳

چکیده

تأمین و تضمین امنیت در فضای بروز و ظهور تهدیدهای گوناگون در نظام امنیت متحول شده جهانی، اولویتی مهم برای تمامی دولت‌ها است. در چنین فضایی، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نظامی ضدسلطه در معرض تهدیدهای متعارف و غیرمتعارف گوناگون از سوی کنشگران منطقه‌ای و غیرمنطقه‌ای است، تهدیدهایی که درک درست آن‌ها از اهمیتی غیرقابل‌انکار برای دستگاه امنیتی و سیاست خارجی کشور برخوردار است. در توضیح شیوه بروز این تهدیدها باید گفت که آن‌ها دقیقاً با شناخت خلأهای راهبردی و ضعف‌های استراتژیک در حوزه‌های اقتصادی، سایبری، دفاعی و... سعی می‌کنند تا ضربه را به همین نواحی وارد کرده و با اقدامات ایذایی و چندبعدی، دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی ایران را دچار نوعی غافلگیری راهبردی کنند. بر این اساس، سؤال این پژوهش آن است که قدرت نرم چگونه می‌توان سبب غافلگیری راهبردی شود؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه این پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود که شناخت درست از ضعف‌های موجود در حوزه‌های اقتصادی، سایبری و دفاعی و تقویت زیرساخت‌های دفاعی در این حوزه‌ها، دو گام مهم در جهت جلوگیری از بروز غافلگیری راهبردی می‌باشند. یافته‌های این پژوهش نشان از آن دارد که قدرت نرم با تأثیر بر دیپلماسی و نفوذ بر فضای فکری اجتماع سبب به وجود آمدن غافلگیری برای نظام سیاسی می‌شود. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از تجزیه و تحلیل داده‌های به روش کتابخانه‌ای انجام شده است.

واژگان کلیدی

غافلگیری، راهبرد، سیاست، امنیت، قدرت نرم.

۱. استادیار گروه روابط بین الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mhpor@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی. rmehri110@gmail.com

۳. دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی (نویسنده مسئول). hamid_tabsiri@yahoo.com

مقدمه

❖ دوره جدید، شماره ۲ (پیاپی ۸)، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

مشخصاً غافلگیری پدیده‌ای مختص به عصر کنونی نیست و قدمت آن به اندازه منازعات میان طرف‌های دارای قدرت است، اما می‌توان گفت بسته به بازیگران و دوره زمانی مدل‌های آن دستخوش تغییر قرار گرفته است. به نظر می‌رسد زمانی که طرف‌های منازعه حکومت‌ها هستند، به معنای آن است که اراده‌ها یا تصمیماتی در سطح استراتژیک هرکدام از آن‌ها باعث به وجود آمدن این منازعه شده است و در ارتباطی متقابل برای هم تهدید به شمار می‌روند. در این حالت طرف‌ها به‌طور معمول به افزایش فشار و ضربه‌زدن به منافع هم اقدام می‌کنند، اما تنها زمانی پروژه غافلگیری در دستور کار آن‌ها قرار می‌گیرد که امکان ضربه خارجی به طرف مقابل به حداقل رسیده باشد و یا آن‌ها از این راه به نتایج مطلوب نرسیده باشند. در هر صورت با این چارچوب تصویری که خمیرمایه هر حکومت و سیستم، ایدئولوژی، اراده‌ها و تصمیم‌سازی‌هایی است که خط و مشی آن را مشخص می‌کند، مشخصاً بهترین سازوکار در اجرا پروژه غافلگیری در این سطح، هدف قرار دادن همان تصمیم‌سازی‌هاست که طرف مقابل را برای طرف دیگر به‌عنوان تهدید مطرح می‌کند. در منازعه میان حکومت‌ها، مراکز استراتژیک، نخبگان و مسئولین در سطوح مختلف به‌عنوان مؤثرین در تصمیم‌سازی، اهداف پروژه غافلگیری معرفی خواهند شد و این همان مدل غافلگیری شبکه‌ای هست که در آن طرف اجراکننده نیاز به غافلگیری به ساختار سیستم حکومت دارد تا به نتیجه مطلوب برسد. بحث از مسئله غافلگیری که در سال‌های اخیر بالأخص در بیان رهبر انقلاب بسیار به آن پرداخته شده است در حال حاضر به‌عنوان یکی از چالش‌های جدی جمهوری اسلامی مطرح است. واقعیت تلخی که در حال حاضر در سیستم جمهوری اسلامی با آن مواجه هستیم هجمه تمام‌عیار طرف‌های منازعه ما در بخش‌های غافلگیری دیپلماسی، اقتصادی، سایبری، اطلاعات و پروپاگاندا به‌صورت مستقیم و به‌صورت غیرمستقیم در ابعاد امنیتی دیگر است. به تحقیق در هرکدام از این بخش‌ها زمانی سیستم دچار آنتروپی شدید شده است که متغیر اساسی پروژه غافلگیری توانسته است شرایط موافق تهدید را ایجاد کند؛ اما به‌واقع تنها عاملی که می‌تواند شرایط موافق تهدید ایجاد کند پروژه غافلگیری نیست و عدم کارکرد صحیح و اثربخش در

ابعاد گوناگون سیستم به مراتب توان بیشتری برای ایجاد این شرایط دارد. در هر صورت با جمع‌بندی مطالب به یک نتیجه نامطلوب اما واقعی خواهیم رسید که جمهوری اسلامی در عصر حاضر با وجود پروژه غافلگیری در سطوح استراتژیک و تصمیم‌سازی خود و همچنین وجود اخلال در کارکرد سیستماتیک خود، دچار آنتروپی سیستمی درون‌زا است و این خود تهدیدی جدی برای ثبات و بقا آن به شمار می‌رود. نکته قابل توجه این است که در بیان رهبر انقلاب منظور از غافلگیری نیز غافلگیری ایدئولوژیک نیز است که در نتیجه تصمیم‌سازی‌ها را دچار تناقض با ایدئولوژی مختص انقلاب اسلامی کرده است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۷/۲۱).

به صورت قطعی سازوکار مقابله مؤثر با عوامل غافلگیری و همچنین حجم‌های غافلگیری راهبردی علیه جمهوری اسلامی، حذف عواملی است که شرایط موافق تهدید را ایجاد می‌کنند، اما با مطالعه جامع شرایط فعلی کشور در سه حوزه حاکمیت، سیستم اجرائی و جامعه و تعاملات میان این سه، به نظر می‌رسد برای اینکه سیستم بتواند با اثربخشی بالا در بخش‌هایی مدیریت بحران و در بخش‌هایی هدایت آرامش را در دستور کار خود قرار دهد، نیاز به بسترسازی اجتماعی برای مقابله با غافلگیری وجود دارد. بر این اساس، سؤال این پژوهش آن است قدرت نرم چگونه می‌توان سبب غافلگیری راهبردی شود؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه اصلی این پژوهش درصدد آزمون آن است که شناخت درست ضعف‌های موجود در حوزه‌های اقتصادی، سایبری و دفاعی و تقویت زیرساخت‌های دفاعی در این حوزه‌ها، دو گام مهم در جهت جلوگیری از بروز غافلگیری راهبردی می‌باشند. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از تجزیه و تحلیل داده‌های به روش کتابخانه‌ای انجام شده است. هدف اصلی پژوهش حاضر رسیدن به درکی صحیح و جامع از معنای غافلگیری راهبردی و بررسی جوانب آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است و نیز ارائه پیشنهادها در پدافند ذهنی و روانی مقابله با چنین مسئله‌ای است.

پیشینه پژوهش

آثار ارزشمندی درباره قدرت نرم به تحریر درآمده است. درباره پیشینه پژوهش می‌توان به دو دسته آثار و مقالات اشاره داشت:

۱. آثاری که به بررسی قدرت نرم پرداخته‌اند از این آثار می‌توان: (افتخاری، ۱۳۸۵)، (رضایی، ۱۳۹۲)، (کریمی مله و همکاران، ۱۳۸۹) اشاره داشت.
۲. آثاری که به جایگاه قدرت نرم در روابط بین‌الملل پرداخته‌اند: (صدرپور و همکاران، ۱۳۹۵)، (خداوردی، ۱۳۹۷) اشاره داشت. باید اشاره داشت که در میان این آثار خلأ پژوهشی که می‌توان زمینه نوع آوری پژوهش باشد و بدان اشاره داشت تأثیر قدرت نرم در غافلگیری راهبردی است که ضرورت آن ایجاب می‌کنند مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

چارچوب مفهومی

تعجب یا شگفتی^۱ یک حالت زودگذر روانی و فیزیولوژیکی است که حیوانات و انسان‌ها در مواجهه با رویدادهای غیرمنتظره از خود بروز می‌دهند. غافلگیری در لغت حالتی است که در اثر حمله بی‌خبر شخصی به شخص دیگر یا دیده شدن شخصی در حال انجام عملی غیرمنتظره به وجود می‌آید و در اصطلاح رزمی یعنی وارد ساختن ضربت به حریف در زمان، مکان و حالتی که انتظار و آمادگی پذیرش و واکنش لازم علیه آن را نداشته باشد تعجب می‌تواند ظرفیت‌های^۲ مختلفی داشته باشد؛ یعنی می‌تواند خنثی، خوشایند، ناخوشایند، مثبت، یا منفی باشد. بعلاوه، شدت تعجب می‌تواند از خیلی متعجب (پاسخ غافلگیری و گریز) تا کمی متعجب متغیر باشد (آقابخشی، ۱۳۷۷: ۱۰۲). مترادف این کلمه را می‌توان ۱. سرگشته ماندن، خیره شدن^۳؛ ۲. عاجز شدن، درمانده گشتن.

به نظر برخی از محققین، تعجب ویژگی‌های ضروری هیجان‌های پایه را داراست. روانشناس آمریکایی، پاول اکمن، مطالعات میان فرهنگی تعجب را یکی از شش هیجان پایه به حساب می‌آورند. برخی دیگر، تعجب را جزو هیجان‌هایی دانند بلکه آن را یک حالت ذهنی^۴ در نظر می‌گیرند (Ekman, 1984: 319).

۱. یا سورپریز (به انگلیسی: SURPRISE)

2. Valence
3. Consternation
4. Cognitive State

غافلگیری، در ادبیات نظامی عبارت است از ضربه زدن به دشمن در زمان و مکان و به روشی که آمادگی پذیرش آن را ندارد. برای رسیدن به غافلگیری، باید فرصت عکس‌العمل از دشمن سلب شود و زمانی از عملیات حریف مطلع گردد که زمان کافی برای عکس‌العمل نداشته باشد، به واقع یعنی اجرای عملیات در زمان و مکان و به طریقی که برای دشمن غیرمنتظره باشد یا به طوری که برای مقابله، پیش‌بینی لازم را به عمل نیاورده و فرصت عکس‌العمل را نداشته باشد. با این عمل، توازن رزمی به نفع یگان خودی تغییر نموده و پیروزی غیرقابل‌انتظار و بیش از تلاش، حاصل می‌گردد.^۱ اما منظور از غافلگیری راهبردی این است که پیش‌بینی استراتژی دشمن قبل از مواجهه با آن در جهت حفظ و مقابله و کاهش تهدید است.

مبانی نظری پژوهش

در قرون گذشته، قدرت استعمارگران از طریق سخت‌افزاری نظیر تهدید نظامی، جنگ و اشغال نظامی بود، اما با شروع عصر ارتباطات، رسانه و دیپلماسی عمومی و با این آگاهی که از حیث تحلیلی، راهبردهای نرم‌افزارانه پیوسته بر راهبردهای سخت‌افزارانه برتری دارد و نمی‌توان حرکت‌های نرم‌افزارانه را با ابزارهای سخت‌افزارانه سرکوب نمود و در چنین موقعی نهضت‌های نرم‌افزارانه تقویت شده و ایده‌هایشان نافذتر می‌گردند (شیروانی، ۱۳۸۹: ۲۳).

جمهوری اسلامی ایران در مقطعی از حیات خود با جنسی از تهدیدات مواجه است که درک این تهدیدات خود گامی مهمی در مقابله با آن است که واقعیت غیرقابل‌انکار ماهیت نرم و بین

۱. اصل غافلگیری ریشه‌ای کهن در تاریخ جنگ‌های دنیا دارد. «سون تزو» طراح شیوه‌های ماندنی نبرد در چین باستان، استفاده از اصل غافلگیری را به عنوان اساسی‌ترین شیوه‌های یک حمله پیروزی آفرین توصیه کرده و می‌گوید: با حمله‌های ناگهانی، حریف را در جاهایی که آماده نیست، غافلگیر و با گروه‌های ضربت به وی هجوم برید. سرعت و چالاکی، جوهره غافلگیری است. از فقدان آمادگی دشمن استفاده کنید و مسیرهای پیش‌بینی نشده را برگزینید و در جایی که برای خود مصونیت ایجاد نکرده است، او را بکوبید.

اذهانی تهدیدات علیه ج.ا.ا را مشخص کرده است. پدافند ذهنی در مقابله با غافلگیری و فهم دقیق تحولات مهم‌ترین راهکار برای مقابله با غافلگیری راهبردی است که از این رو بایست مهم‌ترین ارکان این تهدید شناخته شود. در این منظومه از تهدیدات غافلگیری راهبردی از ارکان اصلی دشمن در تهدید و آسیب شالکه امنیتی در جمهوری اسلامی ایران است (غفوری، ۱۳۹۲: ۲۰).

اگرچه در گذشته غافلگیری تنها یکی از شیوه‌های اجرای تاکتیک‌های رزمی بود اما امروزه حوزه‌های وسیع‌تری را در بردارد. غافلگیری را «راه میان‌بر» پیروزی نامیده‌اند، زیرا نقش مستقیم و بسیار اثرگذاری در موفقیت هر مبارزه‌ای دارد. جان کالینز در اهمیت این اصل می‌گوید: غافلگیری چنانچه با ترکیب‌های مختلفی از پنهان‌کاری، سرعت، فریب، منحصربه‌فرد بودن و جسارت تقویت گردد، می‌تواند تعادل قدرت را قاطعانه جابه‌جا کند و راه دستیابی به پیروزی را با تلاشی بسیار کمتر از حد تصور هموار نماید (کالینز، ۱۳۹۱: ۱۲).

به تعریف سن تزو غافلگیری و فریب دو اصلی است که سبب پیروزی در جنگ می‌شود و والاترین هدف دشمن را در بردارد. غافلگیری «به غیر از حوزه نظامی آن» هیچ نشانه دیگری در ابتدا ندارد و در حالت عادی ممکن است قابل‌رؤیت و رصد نباشد از همین روست که قدرت نرم مورد اهمیت بیشتری برای غافلگیری مورد تأکید قرار می‌گیرد به طوری که امروزه جامعه جهانی به‌خصوص دولت‌ها شاهد توسعه سریع در ابعاد انسانی همچون فناوری و ارتباطات همگانی و ... هستند که این موضوع سبب گردیده است که سطح تهدیدات دنیای جدید آن را از جامعه گذشته بسیار متمایز می‌کند و معمولاً تصمیم‌گیران را به چاره‌جویی در مقابل با غافلگیری بکشاند.

این تهدیدات به‌واسطه استفاده از فناوری‌های جدید توانسته است ضریب دستیابی به هدف‌ها را افزایش دهد. از همین رو، این موضوع جایگاه بحث قدرت نرم که امری غیر محسوس است و با ویژگی تقسیم‌بندی قدرت به شیوه سنتی متفاوت است (عباسی، ۱۳۹۵: ۹۱) و آن را برجسته می‌سازد.

برخی عوامل سیاسی از جمله ثبات سیاسی، نوع رژیم و رهبری از مؤلفه‌های مادی قدرت نرم به شمار می‌آیند (صبوری، ۱۳۹۰: ۱۰۲). ظهور بازیگران غیردولتی، وابستگی متقابل اقتصادی، توسعه شبکه‌های هوشمند ارتباطی نشانگر دوران تازه‌ای در سیاست جهانی است. در چنین شرایطی توانمندی معطوف به‌زور به‌مثابه رکن اصلی قدرت در مکتب واقع‌گرایی موردنقد جدی قرار گرفته و تغییر نوینی در مفهوم و کاربرد قدرت ایجاد شده است (زارع، ۱۳۸۶: ۶۵). جوزف نای بر این باور است که قدرت نرم و سخت در هم تنیده‌اند ولی قدرت نرم ضرورتاً به قدرت سخت وابسته نیست. به گفته وی، قدرت نرم توانایی تحقق خواسته‌ها از راه مجذوب کردن دیگران است.

زمانی که شما دیگران را وادار می‌کنید ایده‌های شما و آنچه شما می‌خواهید را بپذیرند بدون این‌که برای این کار هزینه‌ای صرف کنید، در آن صورت شما از قدرت نرم استفاده کرده‌اید (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۲۳).

منابع قدرت نرم برخلاف قدرت سخت منابع و تجهیزات نظامی و توان اقتصادی نیست؛ بر فرهنگ، دانش، سیاست و اقتصاد استوار است.

قدرت نرم محصول و برآیند تصویرسازی مثبت از خود و تأثیرگذاری همراه با رضایت بر دیگران و اراده دیگران را تابع خود کردن و مؤلفه‌هایی نظیر آن است (بیگی، ۱۳۸۹: ۳۰). بازیگران در صحنه روابط بین‌الملل در تلاش‌اند که این بعد قدرت خود را با تاکتیک‌های مختلف افزایش و گسترش دهند و با اعمال آن و ایجاد تأثیرات خاصی بر دیگر بازیگران، آن‌ها را از میدان رقابت خارج سازند. تئوری نظم نوین جهانی که توسط جورج بوش پدر به مرحله اجرا گذاشته شد را می‌توان نمادی از قدرت نرم آمریکا دانست. ایالات متحده در دوران پس از جنگ سرد موازنه نرم را به‌عنوان راهبرد سیاست خارجی خود تعریف نمود. زمامداران و تصمیم‌گیران در آمریکا بر این اعتقادند که در شرایط آنارشی مقابله با تهدیدات از طریق قدرت نرم امکان‌پذیر است؛ بنابراین قدرت نرم عبارت است، ابزار، توانایی، استعداد و ظرفیت برای به دست آوردن چیزی بدون استفاده از زور و اجبار از طریق جذب و اقناع کردن دیگران، به‌قصد تأثیرگذاری بر دیپلماسی، اقتصاد، فرهنگ و غیره که توان تصمیم‌گیری را بر عهده غالب قرار می‌دهد و می‌تواند در غافلگیری رقیب مورد استفاده قرار

گیرد. همچنین باید اضافه کرد که قدرت نرم به دلیل کم‌هزینه بودن و مشروعیت آن در دهه‌ها گذشته مورد توجه سیاست خارجی قدرتهای بزرگ در جهت بهینه کردن قدرت سخت مورد توجه بوده به‌عنوان ابزاری برای کسب نتایج مطلوب از جمله غافلگیری مورد توجه قرار گرفته است (خداوردی، ۱۳۹۷: ۱۰۸).

یافته‌های پژوهش

شناخت ابعاد گوناگون، راهکارها و اهداف احتمالی قدرت نرم در مرحله اول از فرایند تقابل به وجود می‌آید که بلاشک مسئله‌ای بسیار مهم است. به نظر می‌رسد برای تبیین دقیق این مسئله می‌توان به سبک جدید منازعات که از طُرُق قدرت نرم حاصل می‌شود پرداخت و سازوکار و اهداف احتمالی دشمن را در بستر آن جست‌وجو کرد.

الف) قدرت نرم در بسترهای غافلگیری راهبردی

غافلگیری فرهنگی

امروزه در قاموس و عرف بین‌الملل از فرهنگ به‌عنوان قدرت نرم یاد می‌شود (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۲۹۶) که جهت دهنده ذهن و رفتار، در همه حوزه‌های اجتماعی است (جعفری‌پناه، ۱۳۹۱: ۱۰۸). جوزف نای عنصر فرهنگ را در هرم و منابع مولد قدرت نرم گنجانده و ظرفیت‌های بسیار بالا آن را برای اعمال نفوذ و تحمیل اراده مورد توجه قرار داده است، وی می‌گوید من معتقدم که قدرت هر کشوری در درجه اول فرهنگ آن کشور است به شرطی که در نظر دیگران جذاب باشد دوم ارزش‌های سیاسی آن وقتی که در داخل و خارج مورد توجه قرار گیرد و سوم سیاست خارجی آن زمانی که مشروع و دارای صلاحیت اخلاقی باشد. همچنین جوزف نای، نظریه‌پرداز مشهور قدرت نرم بیان می‌دارد، کشوری مانند جمهوری اسلامی ایران، با توجه به بافت فرهنگی‌اش، که اساس آن اسلام و تشیع است، با قدرت سخت قابل شکست نیست (نای، ۱۳۸۷: ۱۹).

مقام معظم رهبری در اهمیت و مقابله با غافلگیری در عرصه فرهنگی همواره بر اولویت فرهنگ اشاره داشته‌اند و می‌فرمایند: اولویت بسیار مهم کشور، فرهنگ است. فرهنگ از ادبیات

و هنر تا سبک زندگی تا فرهنگ عمومی تا اخلاق تا رفتار اجتماعی، شامل همه این‌ها است؛ ما در این زمینه‌ها تکلیف داریم، مسئولیت داریم؛ دستگاه‌های فرهنگی ما واقعاً مسئولیت دارند در این زمینه. فرض بفرمایید حالا فیلم، تئاتر، سینما، خب اگر مراقبت نباشد [چه می‌شود]! بنده طرفدار جزم‌اندیشی و فشار و اختناق در این زمینه‌ها نیستم، میدانید، من اعتقاد راسخ دارم به آزاداندیشی؛ منتها آزاداندیشی غیر از ولنگاری است، غیر از اجازه دادن به دشمن است که از دالان آزاداندیشی و آزاد عملی بخواهد ضربه بزند به [کشور].

از همین‌رو است که به‌زعم محققان قدرت نرم را اولاً یک نفوذ فرهنگی دانست که در زمان و مکان خاص سبب غافلگیری راهبردی می‌شود.

غافلگیری دیپلماسی

در عصر حاضر این مسئله که در فضای سیاست خارجی و تعاملات حکومت‌ها با یکدیگر بعضاً به دلایل مختلف که ناشی از تحلیل آن‌ها از منافع و تهدیداتشان است منازعات در سطوح گوناگون رخ می‌دهد کاملاً واضح است، به‌صورت کلی سطوح منازعه دارای چهار بخش است که از سطح استراتژیکی به مفهوم اقدامات کلان‌تر تا سطح فنی به مفهوم اقدامات خرد را دربر می‌گیرد (صدرپور و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۹).

زمانی بحث از غافلگیری به میان می‌آید که اقدامات خصمانه در سطح استراتژیک طراحی و اجرا شود که نتیجتاً هدفی استراتژیک را برای ضربه زدن مدنظر دارد، هرچند بسیار مشاهده می‌شود سیاسیون در ترمینولوژی الفاظ دچار خلط می‌شوند. در ادبیات دیپلماتیک به وجود آمدن تنش در روابط فلان حکومت‌ها بسیار شایع است، می‌توان این‌گونه بیان کرد، زمانی که تنش در تعاملات حکومت‌ها به اوج خودش می‌رسد درصد اینکه اقدامات خصمانه استراتژیک در دستور کار آن‌ها قرارگیری بالا می‌رود که ممکن است تنش‌ها ناشی از اختلافات ایدئولوژیک یا هر مسئله دیگری باشد و غافلگیری سرد بهترین مثال برای این موضوع است؛ اما بحث از غافلگیری دیپلماسی بسیار پیچیده‌تر از تنش‌ها در روابط سیاسی است به‌طوری‌که ممکن است حکومت‌ها اختلافاتی داشته باشند و جامعه بین‌الملل هم شاهد مذاکرات دوستانه

آن‌ها با یکدیگر باشد و این در حالی است که هرکدام از آن‌ها در حال اجرای استراتژی‌های خصمانه علیه یکدیگر می‌باشند (والی، ۱۳۹۵: ۱۹).

ملموس‌ترین مثال برای موضوع پیش‌رو دیپلماسی میان جمهوری اسلامی و ایالات متحده است. همواره در طول سه دهه انقلاب اسلامی نخبگان کشور شاهد دکتین‌ها و استراتژی‌های خصمانه ایالات متحده بر ضد تمام منافع جمهوری اسلامی بوده. به نظر جامع‌ترین تبیین در مورد غافلگیری دیپلماسی توسط رهبر انقلاب صورت گرفته است:

این مبارزه، فقط یک مبارزه معمولی دیپلماتیک نیست. دیپلماسی، یک غافلگیری است. شما این را به خوبی می‌دانید و آن را مثل جنگ‌های نظامی و برخوردهای اقتصادی که تاکتیک و عقب‌نشینی و حمله و جابه‌جایی و فریب‌جنگی دارد، لمس کرده‌اید. همه دیپلمات‌های دنیا مشغول جنگند. ارزش و تأثیر آن غافلگیری هم گاهی از جنگ‌های نظامی کمتر نیست؛ بلکه در مواردی هم بیشتر است. البته، همیشه این‌گونه نیست. منظور من از جنگ، یک مبارزه معمولی نیست؛ که این کار همه دیپلمات‌هاست (رهبر معظم انقلاب، بیانات: ۱۳۶۸).

غافلگیری اقتصادی

یکی از موضوعات بسیار حساسی که در تمام اندیشه‌های جهان و به صورت خاص در غرب مورد بررسی قرار گرفته است در حوزه غافلگیری اقتصادی با عنوان «غافلگیری ارزی» است. غافلگیری ارزی به عنوان پیچیده‌ترین استراتژی خصمانه اقتصادی در عصر حاضر توسط استراتژیست جیمز جی. ریکاردز از عناصر اصلی وال‌استریت و مشاور تهدیدات مالی سی‌ای‌ای طراحی شده است و به نظر می‌رسد برای تبیین غافلگیری اقتصادی بهتر است به این موضوع بپردازیم.^۱

۱. اولین کتاب ریکاردز یعنی «جنگ‌های ارزی»، در ایران توسط دو مترجم به طور مجزا ترجمه شده است. در ابتدای این کتاب، ماجرای اولین بازی غافلگیری اقتصادی که در زمستان سال ۲۰۰۹ توسط پنتاگون برنامه‌ریزی شده بود را بازگو می‌کند.

تاریخ تا به حال، دو بار غافلگیری جهانی ارزی را به خود دیده است و ما امروز در زمان وقوع سومین تقابل زندگی می‌کنیم. این غافلگیری از سال ۲۰۱۰ آغاز شده است و اوج آن از تابستان تا زمستان سال ۱۳۹۴، در تقابل چین با آمریکا خود را نشان داد و ضرر هنگفتی را با کاهش ارزش یوان به کشور چین وارد کرد. ایران نیز از همان ابتدا - یعنی سال ۲۰۱۰ مقارن با سال ۱۳۹۱ شمسی - درگیر این غافلگیر شده است و افزایش شدید قیمت دلار و افزایش بی‌سابقه قیمت طلا در همان دوران، از کمترین نتایجی بود که گریبان کشور را تاکنون نیز گرفته است.

غافلگیری سایبری

با ورود جامعه جهانی به بستر اینترنت و زندگی در جهانی محصور میان میلیون‌ها صفر و یک به گونه‌ای بشر دارای دوجهان موازی است. در روندی به سرعت رو به رشد زیرساخت‌های زندگی بشر و حکومت‌ها اعم از اطلاعات، اقتصاد، صنعت و دیگر موارد به بستر فضای سایبر منتقل می‌شود و این مانند پرتگاهی است که اگر دولت‌ها دستاویزی نداشته باشند به راحتی سقوط می‌کنند و از طرفی فرصتی برای اقدامات خصمانه استراتژیک ایجاد شده است برای دولت‌هایی که توانایی عملیات در این بخش را به دست آورده‌اند. جدا از تمام بحث‌های تخصصی سایبرنتیک که از داغ‌ترین مباحث امروز جهان است و همین‌طور به بحرانی جدی برای قدرت‌های جهانی تبدیل شده است برای ارائه پارادایمی کلی از غافلگیری سایبری به تبیین نمونه‌ای کاملاً عینی می‌پردازیم.

غافلگیری تبلیغاتی

غافلگیری اطلاعات به صورت کلی از چرخه اطلاعات که شامل پنج مورد فعالیت است منتج می‌شود.^۱ طبق این فرایند ابتدا در مورد پدیده مورد با طرح و برنامه‌ریزی به جمع‌آوری داده‌های اطلاعاتی پرداخته می‌شود، سپس پردازش و تجزیه و تحلیل باهدف کشف ارتباط معنادار میان داده‌های مرتبط و رسیدن به پارادایمی دقیق نسبت به آن پدیده صورت می‌پذیرد. بعد از این در مراحل تولید و توزیع به گونه‌ای تصمیم‌سازی در مورد آن پدیده با متغیرهایی که سازمان یا سیستم مربوط برای خود تعریف کرده است انجام می‌شود و برای اجرا آن اراده‌ها و تصمیمات توزیع اطلاعات تولیدشده به عوامل اجراکننده انجام می‌شود. همواره حکومت‌ها با استفاده از سرویس‌های اطلاعاتی خود سعی دارند در میدانی که دشمن حضور ندارد با آن بجنگند یا به گونه اتفاقات و مسائل را به طوری که با منافعیشان هم سو باشد مدیریت نمایند، به دلیل گستردگی فعالیت‌هایی که صورت می‌پذیرد هیچ‌گاه تعریف جامعی از ابعاد گوناگون عملیات مخفی نمی‌توان ارائه کرد و تنها می‌توان رد پای آن در تمام رویدادهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و غیره مشاهده کرد و اما مسئله پروپاگاندا را می‌توان زیرمجموعه‌ای از عملیات اطلاعاتی دانست که در آن‌ها سعی می‌شود با استفاده از سازوکارهای آشکار و پنهان تأثیرگذاری بر روی افکار عمومی یا بعضاً افراد خاص را رقم بزنند که ما این نوع را بانام «عملیات روانی» می‌شناسیم و ادبیات عامه نیز با عنوان «تبلیغات» از آن یاد می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ب) چالش‌های پیش روی در غافلگیری راهبری ایران

بر اساس مطالبی که ارائه شد در حال حاضر نیاز به بررسی چالش‌های کشور و تحلیل دقیق داریم تا بتوانیم به ارائه سازوکار جهت بسترسازی اجتماعی و مقابله مؤثر با تهدیدات و

۱. در برخی منابع علم اطلاعات فعالیت‌های اطلاعاتی را به چهار بخش اساسی تقسیم می‌کنند اعم از جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل، ضد جاسوسی و عملیات مخفی؛ درواقع دو بخش آخر بعد از توزیع اطلاعات به عوامل صورت می‌گیرد که در میان این دو عملیات مخفی مربوط به بحث ما است.

بحران‌های پیش رو بپردازیم. این چالش‌ها را می‌توان در دو بخش ساختار حاکمیت و نقطه مقابل آن هندسه اجتماع دسته‌بندی و بررسی کرد.

به صورت کلی دو مسئله در ساختار حاکمیت در سه دهه انقلاب اسلامی دیده می‌شود. نخست غافلگیری ایدئولوژی متناقض با مبانی اسلام و ایدئولوژی انقلاب اسلامی در اندیشه نخبگان مؤثر بر تصمیم‌سازی‌های کلان و به طبع آن اراده‌ها و اقداماتی دچار تناقض با اقداماتی که از حکومت اسلامی انتظار می‌رود و سپس منازعه داخلی احزاب سیاسی بر سر مبانی که به صورت مستقیم جامعه و اقشار گوناگون را درگیر خودکرده است. در بعدی دیگر و در هندسه اجتماع که مشخصاً متأثر از حاکمیت است به همین صورت با دو مسئله و چالش اساسی مواجه هستیم. نخست عدم تبیین دقیق ایدئولوژی انقلاب اسلامی و مبانی جامعه‌سازی اسلامی برای نسل‌ها و اقشار مختلف به این صورت که بدانند باید چه اقداماتی را از حاکمیت مطالبه کنند و سپس درگیری مداوم با آسیب‌های اجتماعی فراوان بر اثر عدم کارکرد مناسب سیستم در بخش‌های گوناگون. مجموع این رویدادها بستری کاملاً مناسب و شرایطی موافق تهدید به وجود می‌آورد که طرف‌های منازعه جمهوری اسلامی در ایجاد آن‌ها بی‌تأثیر نبوده‌اند. به‌طورکلی باید این منازعه‌ها را به دو دسته تقسیم کرد ۱. منازعات انسان‌ساخت و ۲. بحران‌های طبیعی^۱.

منازعه‌ای که مدنظر پژوهشگران این پژوهش است که تأکید بر بحران‌های انسان‌ساخت است و توسط سیاست‌های داخلی و خارجی کشورها حاصل می‌شود. بحران‌های انسان‌ساخت هستند این بحران‌ها که ناشی از عملکرد و یا طرح و نقشه قبلی انسان‌ها و فراگیر می‌شوند انواع متعددی دارند و بسیار پیچیده‌تر از بحران‌های طبیعی هستند: به‌طور مثال می‌توان به بحران‌های

۱. غافلگیری طبیعی: منشاء حوادث طبیعی است و علت حوادث طبیعی قوانین حاکم بر طبیعت است. مثل زلزله که حاصل حرکت لایه‌های زیرین زمین است و سیل که ناشی از حرکت هجم زیادی از آب و گل و لای می‌باشد. آنچه که حوادث طبیعی را مبدل به بحران می‌کند، عدم آمادگی انسان‌ها است. در صورت آماده بودن و پیش‌بینی‌های لازم حوادث طبیعی با کمترین پیامد و با کمترین خسارت اتفاق می‌افتد. حوادث طبیعی را می‌توان از ابتدا با پیش‌بینی به موقع و اقدامات تخصصی و فنی قبل از حادثه مهار کرد (بارتون، ۱۳۹۵: ۹۶-۸۲).

اجتماعی یا اقتصادی که ناشی از عملکرد نادرست و یا طرح و نقشه مخالفان یک دولت است اشاره داشت که گریبان‌گیر جامعه می‌شود. بحران‌های انسان‌ساخت گاهی با انگیزه‌های بسیار مشخص، قوی، خصمانه و سودجویانه طرح‌ریزی می‌شود مثل: «بحران جنگ». بحران جنگ بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین بحرانی است که بر تاریخ تمدن بشری سایه انداخته است. در دل بحران جنگ، بحران‌های مهم دیگری همچون بحران اقتصادی، امنیتی و بحران‌های انسانی چون کمبود آب و غذا و شیوع برخی بیماری‌ها و بحران‌های دیگر ... نمایان می‌شود. اگرچه امروزه نظام جمهوری اسلامی ایران توانسته است قدرت بازدارندگی دفاعی خود را از طریق قدرت سخت افزایش دهد، اما مکرراً شاهد غافلگیری در ابعاد اقتصادی و اجتماعی شده است. اگر بخواهیم محورهای این چالش‌ها را که سبب غافلگیری شده‌اند را معرفی کنیم که تأثیر خود را بر مبانی فکری که مؤلفه‌های قدرت نرم (مؤلفه‌هایی همچون اخلاق، شهادت‌طلبی، معنویت‌گرایی، علم‌گرایی، ولایت فقیه و...) جمهوری اسلامی ایران می‌باشند (جعفری‌پناه، ۱۳۹۱: ۱۰۵)، نشان دهیم باید. می‌توان به محورهای زیر اشاره داشت:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱. محورها و سطوح غافلگیری

محورها	سطح غافلگیری	دستاوردها
ایجاد نفرت از اسلام	فرد اجتماع	اولین جایی قدرت نرم به دنبال تغییر آن است، اسلام است. دستاورد آن ایجاد شبهات مختلف در مورد دین اسلام و نیز طرح مطالب غیر واقعی است.
نفرت از ایرانیت	فرد اجتماع	اجتماع با همجه‌های مختلفی که مرتبط با موضوع ملی‌گرایی ست دچار سرخوردگی از این بابت که ایرانی ست خواهد شد، مواردی نظیر ایران‌هراسی، نشر جک‌های ضد ایرانی و نیز مواردی مانند لطیفه‌هایی که با عبارت «مملکت داریم» خاتمه می‌یابند.
نفرت از حکومت و نظام سیاسی	فرد اجتماع نظام سیاسی	نفرت از حکومت و نظام حکومتی ست، فرد تحت حکومت ملی خود احساس بیگانگی و سپس دشمنی می‌کند و خود پس از مدتی تبدیل یک به منتقد تخریب‌گر علیه نظام حکومتی خود می‌شود.
نفرت از مسئولان و رهبران	نظام سیاسی	اجتماع در این مرحله فرد حتی در مذاکرات و منازعات بین‌المللی حق را به مسئولان سایر کشورها می‌دهد که این نشان‌دهنده اوج نفرت و کینه‌ای ست که همجه‌ها در راستای این دکترین به فرد تزریق کرده‌اند.
نفرت از یکدیگر	فرد اجتماع نظام سیاسی	در دوران کنونی شماتت یکدیگر بسیار رواج یافته است، نمونه‌ای که آشکار است می‌توان توهین ملی‌گرایان نسبت به مذهبی‌ها و مذهبی‌ها نسبت به ملی‌گراها است، این وضعیت خطر شکست وحدت ملی را افزایش می‌دهد.

روش‌های مقابله با غافلگیری

الف) غافلگیری با تمرکز بر علانم ضعیف

تشخیص خطر امری نسبی است و به‌رغم ضرورت طراحی نظام جامع از شاخص‌های عینی و قابل‌سنجش که مورد وفاق جامعه تحلیل‌گران در مجامع تصمیم‌گیری باشد، درنهایت، فرایند

تعیین خطرات، امر فرهنگی - اجتماعی و زمینه‌مند است. به عبارتی، اینکه چه چیزهایی مرکز نگرانی می‌شوند، تابع شرایط متعدد فرهنگی سازمانی و تجربه‌های قبلی است.

تشخیص مخاطرات و ارائه هشدارها، یک سازه اجتماعی است که به وسیله جریانات، اطلاعات، ساختارهای نهادی، رفتارهای اجتماعی و گروهی و پاسخ‌های قبلی فرد هشداردهنده ساخته می‌شود. این نکات نشان‌دهنده اهمیت آن است که چه کسی و تحت چه شرایطی، مخاطره را تشخیص می‌دهد؟ خلاصه آنکه، هشدارها و هشداردهی، یک امر فرهنگی اجتماعی است و بنابراین نوعی نسبیت بر آن حاکم است. در طراحی نظام هشداردهی باید بتوان بر این محدودیت یا مضیق‌ها فائق آمد، چراکه نظام تصمیم‌گیری و مدیران اجرایی را نمی‌توان در شرایط کاملاً نسبی و متزلزل قرار داد. سامانه مورد نظر بایستی مترتب بر علائم ضعیف بوده و با توجه به ادبیات نوین آینده‌پژوهشی به نظر می‌رسد این سامانه باید دربرگیرنده رصد و پایش مبتنی بر مدل دیدبانی آینده‌پژوهی باشد.

ب) تمرکز بر مطالعات آینده‌شناسی

در حوزه و موضوعات مختلف امنیت ملی، رویکرد و نگاه تمامی دست‌اندرکاران مسائل امنیتی باید رو به آینده باشد و نهادها و تحلیلگران باید خود را از چنبره وضع موجود (که روزمرگی را به دنبال خواهد داشت) برهانند. به این منظور و با ارتقای آموزش‌های تخصصی آینده‌نگری و به‌کارگیری روش‌ها و فن‌های متعدد کمی، کیفی و ترکیبی در حوزه مطالعات آینده، درباره وضعیت‌های «محتمل» و «ممکن» می‌توان به تشخیص انواع حالات پیش رو، همت گماشت. تأکید بر این امر به معنای نادیده انگاشتن فضای احتمالی نیست. همچنین، توجه به اصل کلی و عمومی حاکم بر تمام فن‌های آینده‌نگری که همانا رصد و تشخیص عوامل، متغیرها و فرآیندهای مؤثر بر پدیده تحت بررسی است، نباید نادیده گرفته شود، چراکه وضعیت پدیده در آینده، کاملاً و همواره تحت تأثیر متغیرهای علی (و مکانیسم علی ناشی از آن علل) است. همین‌طور باید به متغیرهای به‌ظاهر کم تأثیر، روندهای نوظهور و متغیرهایی که ممکن است ناگهانی بروز و ظهور یابند، توجه داشت. خروجی‌های فرایندهای آینده‌شناسی،

معمولاً تصورات و برداشت‌هایی از انواع آینده‌های محتمل‌تر یا محتمل‌الوقوع‌تر ارائه می‌کند که در اولویت‌های تحلیلی قرار می‌گیرد.

ج) تعیین نظام علائم و نشانه‌ها

پس از اینکه روشن شد کدام وضعیت (وضعیت‌ها) محتمل‌الوقوع‌تر هستند، می‌بایست علائم و نشانه‌های خاص هر وضعیت که تحقق آن وضعیت را نشان می‌دهند، مشخص شود. در ابتدا علائم ضعیف شناسایی می‌شوند: «علائم مربوط به پدیده‌ای که به‌طور نسبی کمتر معلوم بوده و ضعیف احساس شده یا اینکه به‌طور ناچیز توزیع شده باشد.» و در مرحله بعد تبدیل علائم هشدار ضعیف به علائم قوی در دستور کار قرار می‌گیرد.

د) رصد و پایش مستمر شاخص‌ها

پس از انجام مرحله دوم، تحلیلگران و نهادهای هشداردهی باید وضعیت تحقق عینی و خارجی و بروز و ظهور هر علامت را پیگیری و شناسایی کنند. در این خصوص موضوع موردنظر در قالب زمینه‌هایی مثل قاچاق یا تروریسم و... از ابعاد مختلف مورد پایش و پویا قرار می‌گیرد. باید توجه داشت که رصد و پایش دربرگیرنده شناسایی و تحلیل بوده و در پاسخ این سؤال که چه موضوعاتی باید دیدبانی شوند؟ مطرح می‌گردد: هر موضوع و عامل و به‌طورکلی هر چیزی که روی کار ما اثر داشته باشد. باید توجه داشته باشیم که دیدبانی پروژه نیست و یک فرایند مستمر و پیوسته است که از رویکرد مواد خام به معلومات و سپس به تحلیل می‌رسد.

ح) تهیه گزارش‌های هشداردهی

محصول نهایی فرایند هشداردهی، تعیین وضعیت موضوع تحت بررسی و میزان دوری و نزدیکی آن با سناریوی محتمل یا پیش‌بینی شده است. در اینجا، شکاف و فاصله میان وضع فعلی پدیده با وضعیت پیش‌بینی شده، حائز اهمیت است. همچنین، اعوجاجات و انحراف پدیده از پیش‌بینی‌های انجام شده و شکل‌گیری وضعیت‌های جدید (پیش‌بینی نشده) نیز در همین جا رخ می‌دهند که نیازمند انعطاف‌پذیری تحلیلی بالای تحلیلگران و کارشناسان است. در

این صورت، نظام تصمیم‌گیری در سطح ملی، محلی و موضوعی، نسبت به رویدادهای احتمالی پیش‌آگاهی پیدا خواهد کرد و از آن‌ها پیش می‌افتد. در این صورت است که احتمال غافلگیری در بعد ذهنی و روانی و نیز در بعد اجرایی عملی و سازمان‌دهی کاهش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران به علت ایدئولوژی خاص خود و منتج از آن اراده‌های دارای زاویه شدید با نظام سلطه در شرایط منازعه با به اصطلاح قدرت‌های جهانی قرار دارد و طرف مقابل آن اقدام به پروژه غافلگیری در سطح استراتژیک و تصمیم‌سازی آن کرده است. این پروژه که راهبرد بلندمدتی را دنبال می‌کند نه تنها به دنبال تغییر و تحول در ابعاد فرهنگی است بلکه به دنبال تغییر شیوه تصمیم‌سازی‌ها در راهبردهای کلان کشور در نزد مسئولان سیاسی کشور است. از همین رو است که قدرت سخت نظام سلطه رنگ‌باخته و جای خود را به قدرت نرم می‌دهد. با مطالعه تطبیقی قدرت نرم و پروژه غافلگیری و سبک معاصر منازعات متوجه ارتباطی معنادار میان این دو شده‌ایم، به طوری که متغیرهای اساسی که در قدرت نرم و به عنوان پیش‌نیاز بخش‌های غافلگیری تعریف می‌شود. آنچه شباهت‌های بین قدرت نرم و غافلگیری راهبردی را پررنگ نشان می‌دهد آن است که هیچ‌گاه بر مسئله اجبار و فشار بر مردم برای جلب نظر و یا تحمیل اراده خود بر آن‌ها، نظیر آنچه در به کارگیری قدرت نظامی صورت می‌پذیرد، مطرح نیست؛ بلکه به دنبال تغییر آرام و گام‌به‌گام و تأثیرگذار بر جامعه هدف همچون تحصیل کرده‌ها و نخبگان سیاسی است. این وضعیت که با به وجود آوردن بحران‌های مصنوعی و احساس بحران برای جامعه ایران در سال‌های اخیر سبب به وجود آوردن تهدیدات بالقوه برای انقلاب اسلامی و تفکرات حاصل آن شده‌اند. از همین رو با با دقت در این موضوع، ایجاد تصمیم‌های هوشمندانه توسط عاملان و کارگزاران در نظام جمهوری اسلامی بیشتر اهمیت قرار گرفته می‌شود.

منابع و مأخذ

- آقا بخشی، علی (۱۳۷۷). *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵). گفتگو: قدرت نرم انقلاب اسلامی. *فصلنامه بسیج*، شماره ۳۲: ۱۴۹-۱۳۰.
- بیگی، مهدی (۱۳۸۹). «قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)»، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- خداوردی، حسن (۱۳۹۷). «راهبرد قدرت نرم آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، شماره ۳۹: ۹۴-۱۰۵.
- جعفری پناه، مهدی (۱۳۹۱). «قدرت نرم از دیدگاه اسلام و کاربرد مؤلفه‌های آن در جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، شماره ۸: ۲۳-۳۹.
- رضایی، علی (۱۳۹۲). «قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه»، تهران، انتشارات دانشگاه دفاع ملی.
- عباسی، محمد (۱۳۹۵). «نسبت مفهومی قدرت و امنیت نرم در دولت ملی». *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، شماره ۳۷: ۷۳-۴۰.
- زارع، سید فردین (۱۳۸۶). *الگوی مدیریت غافلگیری راهبردی*، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- شیروانی، میثم (۱۳۸۹). «قدرت نرم حزب الله، پیامدهای سیاسی و امنیتی جنگ ۳۳ روزه»، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- صدرپور، سیدامیرحسین؛ محمدحسین جمشیدی و محسن اسلامی (۱۳۹۵). «بررسی سازوکار نوین دیپلماسی عمومی بر مبنای نظریه قدرت نرم جوزف نای». *فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم* ۶، شماره ۱: ۱۸۰-۱۶۵.
- والی، بارتون (۱۳۹۵). «ترفند، فریب و غافلگیری در جنگ»، تهران، نگرش راهبردی.
- غفوری، علی (۱۳۹۲). *صد جنگ بزرگ تاریخ*، تهران، ابرار معاصر.
- کالینز، جان (۱۳۹۱). *جغرافیای نظامی ج ۱*، ترجمه محمدرضا آهنی، انتشارات دانشگاه جنگ.
- کریمی مله، علی؛ اکبر بابایی و کاوه امیرخانی (۱۳۸۹). «تهدیدات سیاسی امنیت ملی از دیدگاه امام خمینی (ره)» *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۴۹: ۱۱۰-۸۳.